گفت‌وگوی «فرهیختگان» با سیدمقداد نبوی‌رضوی درخصوص شیخ فضل‌الله نوری

شیخ نگران بی‌دینی بود

سهیلا عباسپور
خبرنگار گروه اندیشه

همزمان با برگزاری کنگره ملی شیخ شهید در تهران، قم و تور به مناسبت سالروز مشروطه و بازخوانی آن دوران مهم تاریخی و نقش شیخ فضل‌الله نوری و اندیشه‌های آن شهید مشروطه، در گفت‌وگو با سیدمقداد نبوی‌رضوی، تاریخ پژوه و نویسنده کتاب‌های «تاریخ مکتوم»، «میرزا مهدی اصفهانی»، «اندیشه اصلاح دین در ایران» و «مکتب شیخیه» به‌بررسی اندیشه شیخ فضل‌الله نوری و موضع‌وی در قبال مشروطه‌خواهان و حوادث آن دوران پرداخته‌ایم. نبوی‌رضوی با برشمردن خاستگاه فکری شیخ فضل‌الله و تاثیر حوزه علمیه سامرا بر شکل‌گیری وقایع آن دوران ایران، با تاییدبه‌موضع‌گیری درست و بهنگام شیخ فضل‌الله در برابر مشروطه‌خواندن‌ها به جریان پویای نهان و خزنده روزهای مشروطیت و برنامه‌های آنان برای ایران پس از مشروطه اشاره می‌کند و براساس شواهد و مستندات تاریخی معتقد است بابیه و تحرکات بابی‌ها با پشتیبانی انگلیس، نقش عمده‌ای در تخریب چهره شیخ فضل‌الله داشت تا جایی که شهادت آن عالم بزرگ زمانه را رقم زد.

درخصوص اندیشه شیخ فضل‌الله و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن بیشترین نقش را مربوط به کدام‌یک از عوامل می‌دانید؟ به‌عبارتی با توجه به عامل استعمار، حوزه علمیه، وضعیت اجتماعی ایران، روشنفکران و جو فکری آن زمان، شیخ فضل‌الله چگونه توانست جریان‌ساز شود؟ آن آگاهی که ایشان داشت از کجا سرچشمه گرفته بود؟

شیخ فضل‌الله نوری از خانواده‌ای علمی به‌دنیا آمد. پدرش از علمای سرشناس زمان خود و به‌ویژه پدربزرگ مادری ایشان علامه محمدتقی نوری، عالم بزرگ خطه مازندران و مورد احترام زیاد مردم آن منطقه بود. دایی‌های شان که چهارتا بودند همه از مجتهدان محلی بودند به غیر از مرحوم حاج‌میرزاحسین نوری که با مهاجرت به عتبات و قرار گرفتن در کنار میرزای شیرازی در سامرا و نگارش آثار علمی گوناگون از شهرت بسیار بالایی برخوردار شده بود. پس خاندان ایشان، یک خاندان علمی بود. با همراه‌نبودن با دولت، دایی‌ها دیگر به عتبات رفت و در نجف زید فقیهان بزرگ بعد از شیخ انصاری درس خواند و در میان همه آنها به میرزای شیرازی تعلق خاطر خاصی پیدا کرد. در سال ۱۲۹۱ هجری قمری، میرزای شیرازی سفر زیارتی به سامرا داشت که طولانی شد و او برنگشت. در میان اصحاب میرزای شیرازی، ملاتحملی سلطان‌آبادی محدث نوری و شیخ فضل‌الله نوری به سامرا رفتند که به‌بینند چرا استاد بازنگشته است و اگر می‌خواهد آنجا بماند آنها هم آنجا بمانند. زیرا نظام درسی آنها در نبود وی به‌هم خورده بود. میرزای شیرازی که قصد اقامت در سامرا داشت امر را به استخاره موکول کرد و با خوب آمدن استخاره، آنجا ماند. شیخ فضل‌الله نوری و محدث نوری و ملاتحملی که استاد اخلاق آن دوره، ولی‌الله مهاجران به سامرا بودند که هم به نزد میرزای شیرازی جایگاه والایی داشتند. حوزه علمیه سامرا در این مسیر شکل گرفت که این کار درحقیقت احیای شهر منسوب به امام حسن شیعه بود. هدف میرزای شیرازی احیای شهر سامرا، محل تولد و غیبت امام‌زمان(عج) و بارگاه عسکریین(ع) بود؛ اما نکته امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) بود به ارث به حضرت عصر(عج) رسید و در دیوان شیعی عراق به نام حضرت ضد نخورده و تبث شده است. درواقع، هدف میرزای شیرازی شیعی کردن سامرا و پایتخت معنوی شدن آن شهر سنی‌نشین بود که از جنبه زیارتی هم گاهی برای شیعیان خطرات جانی به همراه داشت. پس با مهاجرت شیخ و شاگردانش و طلبه‌هایی که به وی و شاگردانش وارد اثبات و تعلق خاطر داشتند، حوزه معتبری آنجا ایجاد کرد با ریاست خودش و شیعیانی را به سامرا مهاجرت داد. بازیان خاص و مغازه‌تهیه کرد و دو وحمام برای زنان و مردان ساخت، کتابخانه درست کرد و در سال‌های بعد مدرسه علمیه جعفریه را بنیان کرد. او تعمیر حرم عسکریین(ع) که سال‌ها قبل از مهاجرت ایشان توسط حاج عبدالحسین تهرانی شیخ العراقین، شروع شده بود را ادامه داد و سامرا را در راستای همان شیعی کردن شهر پیشرفته کرد. البته مقاومت‌هایی از جانب ساکنان سامرا در برابر این امر بوده که به دوجنگ میان ساکنان آنجا و شیعیان مهاجر انجامید و در یکی از آنها قرزند بزرگ میرزای شیرازی که میرزامحمد نام داشت و نوادگانش الان در ایران و عراق هستند کشته شد. اما میرزای شیرازی قائل ایجاد یک ۳۰ سال بعد سامرا را ترصف کردند. انگلیسی‌ها که دیدند میان اهل سنت سامرا و شیعیان مهاجر جنگ پیش آمده تصمیم گرفتند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. پس نفوذ در عراق عثمانی و برای واسطه شدن به میرزای شیرازی مراجعه کردند که وی نپذیرفت و آن را یک درگیری و دعوای داخلی شمرد که انگلیسی‌ها بنید در آن دخالت می‌کردند. خبر بخشش میرزا به سلطان عبدالحمید پادشاه عثمانی رسید و او بسیار خوشحال شد، چون خود اونیز با انگلیسی‌ها درگیر بود و هدایایی همراه با پیغام سپاس نزد میرزای شیرازی فرستاد و این مسأله در حافظه تاریخی سنی‌های سامرا تا به امروز مانده است و سبب حدیث شده نگاه مثبتی به میرزا داشته باشند، طوری که حتی آن حدیث بود؛ شیخ مرتضی انصاری، شیخ عبدالحسین تهرانی شیخ‌العراقین، ملاعلی خلیلی راضی و سیدمهدی قزوینی حلی و بعدها در سال‌های بعد از میرزا هاشم چهارسوقی هم اجازه نقل روایت گرفته بود. شیخ فضل‌الله نوری از طریق این چهار شیخ به محدث نوری متصل شد. مثلا به این شکل که: شیخ فضل‌الله نوری، از شیخ انصاری، از سیدمحمدالدین عاملی و... تا برسد به ارباب مصنفات، محدث نوری، شیخ طوسی، شیخ صدوق و برسد به امامان شیعه(ع). محدث مخصوصا ذکر کرده این اجازه را به شیخ می‌دهد تا کتابی را که نوشته بوده صاحبان سخن متصل شود. محدث نوری در نقل احادیث صحیفه قائمیه مجاز است از محدث نوری، از شیخ انصاری، از سیدمحمدالدین عاملی و... تا برسد به ارباب مصنفات، محدث نوری، شیخ طوسی، شیخ صدوق و برسد به امامان شیعه(ع). محدث مخصوصا ذکر کرده این اجازه را به شیخ می‌دهد تا کتابی را که نوشته بوده صاحبان سخن متصل شود. محدث نوری متصل شد. شیخ فضل‌الله نوری از طریق این چهار شیخ به محدث نوری متصل شد. مثلا به این شکل که: شیخ فضل‌الله